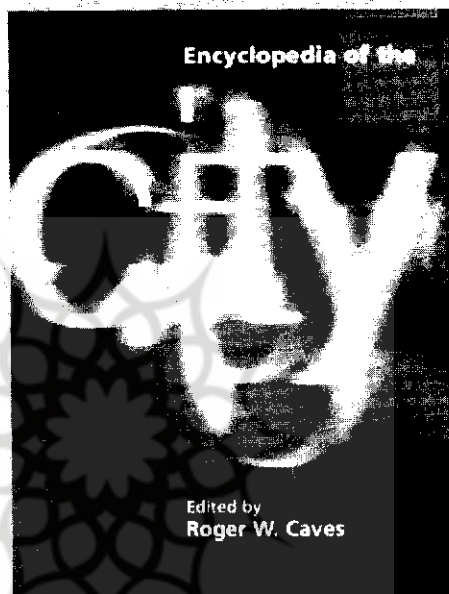


● پیش در آمد ترجمه دانشنامه شهر کتاب دانشنامه شهر [۱] از جمله آثار ارزشمندی است که در حوزه مطالعات شهری در سال ۲۰۰۵ انتشار یافته است. اهمیت و ارزش این کتاب علاوه بر تازگی، در کمیاب بودن آن نیز نهفته است. تا آنجا که نگارنده سراغ دارد، پس از کتاب دانشنامه برنامه ریزی شهری [۲] که بیش از سی سال قبل انتشار یافته و محتوای آن عمدتاً به معرفی نظام برنامه ریزی شهری در کشورهای مختلف دنیا اختصاص دارد، تقریباً هیچ کتابی با ماهیت دانشنامه ای به طور خاص در حوزه مطالعات شهری تا این اواخر منتشر نشده بود. در دورانی که شهرها به کانون تحولات جهانی تبدیل شده اند و پدیده های جهانی ماهیت شهری یافته اند و حتی به تعبیری دنیای امروز دنیایی شهری شده است، بی توجهی به مطالعات ناب شهری در قالب انتشار دانشنامه و نظایر آن بسیار عجیب است.

دانشنامه شهر زیر نظر راجر کیوز [۳] (ویراستار) و با همکاری حدود ۲۰۰ نفر از نویسندگان مختلف از سراسر جهان تهیه و تنظیم شده است. محتوای کتاب با توجه به اهداف نویسندگان و همچنین ماهیت شهر به شناخت و معرفی ابعاد سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و کالبدی شهر اختصاص دارد. ویراستار در مقدمه کتاب پس از تعریف ماهیت شهر و نقل دیدگاه های گوناگون به سیر تاریخی شهر از دیرباز تاکنون می پردازد و تأثیر تحولات مهم تاریخی، همچون انقلاب صنعتی و انقلاب اطلاعاتی بر دگرگونی های شهر را بررسی می کند.

دانشنامه شهر در حدود ۵۰۰ صفحه با مقاله های کوتاه و متوسط درباره مسائل، مفاهیم و اندیشمندان مرتبط با شهر تنظیم شده است. همچنان که ویراستار کتاب به درستی در انتهای مقاله اشاره می کند، این دانشنامه [و هیچ دانشنامه دیگری] پایان کار نیست، زیرا موضوعات جدید و افراد جدیدی که سربر می آورند، نوشتن کتاب را ایجاب می کنند.



دانشنامه شهر

زیر نظر: ناصر برگی پور
دکتر در شهرسازی

۱. الحاق الحاق Annexion

الحاق زمانی اتفاق می افتد که یک شهرداری، مرزهای خود را به سمت بیرون گسترش می دهد و قلمرو مجاور خود را جذب می کند. بسیاری از بزرگ ترین شهرهای آمریکا اندازه کنونی خود را در نتیجه الحاقی کسب کرده اند که در یک مقطع زمانی در گذشته اتفاق افتاد. در سال ۱۸۵۴، فیلادلفیا از ۲ مایل مربع به ۱۳۶ مایل مربع گسترش یافت. در سال ۱۸۹۸، شهر نیویورک که در آن زمان اندازه اش فقط ۴۰ مایل مربع بود با بروکلین درآمیخت و یکپارچه گردید و بیش از ۲۴۰ مایل مربع به قلمرو آن، و یک میلیون نفر نیز به ساکنان آن، افزوده شد. لس آنجلس، سیاست تهاجمی الحاق را دنبال کرد و اندازه آن در طول فقط ۱۰ سال سه برابر رشد کرد و از ۱۰۸ مایل مربع در سال ۱۹۱۵ به ۴۱۵ مایل مربع در سال ۱۹۲۵ رسید.

قوانین حاکم بر الحاق شهرداری ها در کشورهای مختلف فرق می کند. در سیستم یکپارچه بریتانیا، حکومت ملی این قدرت را دارد که حکومت های محلی را تشکیل دهد و حدود قدرت و قلمرو اختیارات آنها را تعیین کند. در ایالات متحد، قانون ایالتی - و نه قانون ملی - رویه های الحاق را تعیین و تنظیم می کند. در فرانسه، تلاش برای ترغیب به ادغام [۴] ۳۶۰۰۰ کمون کشور، که بسیاری از آنها جمعیت اندکی دارند و به لحاظ تاریخی ریشه دار هستند، در بیشتر مواقع بی ثمر بوده است.

در بسیاری از موارد، ساکنان نواحی دورافتاده ای که رشد سریع دارند و توسعه نیافته هستند، ممکن است دریابند که الحاق در واقع وسیله ای برای دست یافتن به آب، راه و کف سازی و سایر خدمات شهری است. البته در سال ۱۸۳۷ در ایالات متحد، که بروکلین، ماساچوست، از تلفیق با شهر بوستون امتناع کرد، نقطه عطفی است و شروع دوره جدیدی از مقاومت حومه های شهری را در مقابل الحاق نشان می دهد. در نیمه دوم قرن بیستم مشخص شد که الحاق بزرگ مقیاس در شمال شرق و غرب میانه ناممکن است. با این همه، در مناطق سان بلت [۵] و پاسیفیک ریم [۶]، قوانین ایالتی راحت تر مربوط به الحاق، رشد پویای تعدادی از شهرهای عمده مانند آلبوکرک، آستین، شارلوت، فرت ورت، فرسنو، هوستون، اوکلاهاسیتی، فونیکس، پورتلند، سن آنتونیو، سن دیه گو، سن خوزه و تولسا را تسهیل کرد.

در ایالات متحد بر اساس قوانین ایالتی، منضم کردن همسایه ای که به لحاظ قانونی ثبت شده است دشوار است. در نتیجه بیشتر الحاق های معاصر مربوط به نواحی ثبت نشده است، یعنی ناحیه هایی که حکومت های شهری قانونی خود را تشکیل نداده اند. شهرها پهنه هایی با جمعیت نسبتاً پراکنده را الحاق می کنند تا رشد اقتصادی خود را ارتقا دهند. هوستون و دنور، هر یک مساحت نسبتاً زیادی خارج از شهر قدیمی را به خود ملحق کردند تا فرودگاه بین المللی جدیدی را بسازند.

قانون ایالتی آمریکا برای هر الحاقی، جز در موارد تعدیل نسبتاً جزئی محدوده ها، همه پرسو دوگانه ای را ایجاب می کند. هم شهروندان واقع در حوزه الحاق کننده و هم شهروندان ناحیه ای که قرار است الحاق شود، می بایست رضایت خود را برای یکپارچه سازی پیشنهادی اعلام کنند. این الزام چونان عامل بازدارنده مهمی برای الحاق عمل می کند. بالتیمور و بوستون، شیکاگو، کیولند، دیترویت، لس آنجلس، میلواکی، نیویورک، فیلادلفیا و سایر شهرهای بدون دسترسی به دریا، که به وسیله شهرداری هایی محصور شده اند که قبلاً به ثبت رسیده اند دیگر نمی توانند الحاق را به عنوان وسیله ای برای رشد به کار برند.

ترجمه: ناصر برک پور

نویسندگان: Bernard H. Ross and Myron A. Levine

[پانوشتا]

- 1-Encyclopedia of the City
- 2-Encyclopedia of Urban Planning
- 3-Roger W. Coates
- 4-Merger
- 5-Stunckel
- 6-Pacific Rim
- 7-Köln

منابع برای مطالعه بیشتر:

Geddes, J. P. (1915). *Cities in Evolution: An Introduction to the town planning movement and study of cities*. London: Williams & Norgate

۲. مجموعه شهری Conurbation

اصطلاح مجموعه شهری در مورد سکونتگاه های شهری به کار می رود که با هم رشد کرده اند و خوشه ساخته شده بزرگی از خزش شهری را تشکیل داده اند، یعنی شبکه ای از اجتماعات شهری ادغام شده که منطقه ای را تحت نفوذ خود درمی آورند که به سبب رشد جمعیت و گسترش فضایی به وجود آمده است. منشأ این کلمه با آثار پاتریک گدس زیست شناس / جامعه شناس اسکاتلندی و پیشگام برنامه ریزی شهری، ارتباط می یابد که ابتدا این کلمه را در حدود سال ۱۹۱۵ ابداع کرد. گدس، که امروزه به عنوان بنیانگذار برنامه ریزی شهری و منطقه ای مدرن شناخته می شود، نخستین بار در حالی که توسعه شهری بسیاری از مکان های موجود در قرن نوزدهم را بررسی می کرد این اصطلاح را به کار برد و از آن به عنوان وسیله ای برای

۱. در حوزه مطالعات قدرت اجتماعات محلی چهار مدل یا نظریه عمده با نوشته های مرتبط وجود دارد: نظریه تئیه گرای، نظریه تکثرگرایی، نظریه ماشین رشد و نظریه رژیم شهری. همه این دیدگاه ها با این پرسش روبه رو هستند که چه کسی بر شهرها حکومت می کند. تکثرگرایان با تئیهی از مطالعات موردی نشان می دهند که قدرت در جامعه نسبتاً پراکنده است و در واقع هیچ گروه تئیهی واحدی وجود ندارد که سیاست را تحت سیطره خود داشته باشد از سوی دیگر تئیه گرایان معتقدند که گروهی از نخبگان وجود دارند که گرایش به اعمال سیطره بر قلمرو سیاستگذاری عمومی دارند و اغلب آنچه را می خواهند به دست می آورند این دو دیدگاه در تعریف مفهوم "ساختار قدرت اجتماع محلی" بررسی شده است. محققانی چون هانتز و دامهوف نظریه تئیه گرایان اند و دال نیز تئیه تکثرگرایان است در دیدگاه هانتزین رشد، بر نقش منحصر به فرد کارآفرینان شهری به عنوان نیروی حیاتی در هدایت سیاست توسعه شهری تاکید می شود. صاحبان مستقلات توسعه گران بخش اصلی کارآفرینان شهری هستند در نهایت اینکه نظریه رژیم در بی تعریف و تعیین نخبگان با گروه خاص حاکم بر شهر نیست بلکه هدف آن چیست و جوی این معنست که چگونه و تحت چه شرایطی گروه های رفیع با همدیگر پیوند می خورند تا به اهداف خود در سیستم سازی عمومی دست یابند. به عبارت دیگر این نظریه برخلاف تئیه دیگر که بر تلاش بودن تئیه کنند حکومت چگونه عمل می کند و چه کسی بر آن نفوذ دارد، در بی دستیابی به درک و فهمی بسط پیچیده از حکمروایی ظرفیت عمل جمعی برای دستیابی به اهداف سیستم عمومی است. مولوچ و نوکان واضع نظریه ماشین رشد، با استون و الکن واضع نظریه رژیم شهری هستند.

2. Governing Politics of Cities
3. Who Governs?
4. Who Really Rules?
5. Floyd Hunter
6. Community Power Structure
7. Robert Dahl
8. New Haven, Connecticut
9. Community of Unequal
10. G. William Domhoff

اطلاق به ظهور احتمالی آبر شهرهای بزرگ در آینده استفاده کرد. به عقیده او، این ابر شهرها زمانی شکل خواهند گرفت که شهرهای موجود به قدری گسترش یابند که با شهرهای مجاور خود ادغام شوند. گدس، هنگامی که این اصطلاح را پیشنهاد کرد، در حال بررسی سکونتگاه های شهری موجود بریتانیا مانند لیورپول و منچستر و همچنین گلاسکو و ادینبورو بود که در حال پیوستن به یکدیگر بودند. از آنجا که اصطلاح گدس با رشد شهری و گسترش فضایی سکونتگاه ها پیوند بسیار دارد اغلب به عنوان مترادف خزش شهری نیز مورد توجه قرار می گیرد. در دوران جدید، مجموعه های شهری در سراسر دنیا وجود دارند و از جمله مجموعه های شهری بزرگ مقیاس، منطقه وست میدلند (بیرمنگام) انگلستان، منطقه کولن [۱] در آلمان و ناحیه کلانشهری پاریس در فرانسه است. در دوران بسیار جدیدتر، کشورهای صنعتی دارای شکلی از مجموعه های شهری هستند و این مکان ها ممکن است شامل سکونتگاه هایی باشند که امروزه به عنوان مگاسیتی، جهان شهر یا شهر جهانی نامیده می شوند - مانند لندن، لس آنجلس، توکیو و نیویورک.

همان طور که پیش تر اشاره شد، منشأ کلمه "مجموعه شهری" با مطالعات شهری پاتریک گدس ارتباط دارد. گدس در آثارش، از جمله کتاب کلاسیک تکامل شهرها، این اصطلاح را در مورد مراکز شهری دارای اهمیت ملی و بین المللی، مراکز تجارت، امور مالی، صنعت، قدرت سیاسی، آموزش و فرهنگ به کار برد. اندازه این مراکز به حدی رشد کرده بود که مکان های نزدیک قبلاً منفرد را در بر می گرفت. گدس پیش بینی می کرد که این مراکز آن قدر به رشد خود ادامه می دهند تا اینکه شهرهای مجاور به یکدیگر وصل می شوند. اگر گلاسکو در اسکاتلند به عنوان یکی از نمونه های مدرن مجموعه شهری تلقی شود، این مجموعه که زمانی سکونتگاه فضایی مستقلی بود، در قرن های نوزده و بیست به اندازه ای رشد کرد که خزش آن با مکان های نزدیک مانند کالایدبانک در غرب و پایزلی در جنوب مرتبط و متصل گردید و چیزی را تشکیل داد که امروزه منطقه شهری نامیده می شود. بعضی ها ممکن است بگویند که ناحیه گلاسکو بزرگ زمانی حکم مجموعه شهری را دارد که این اصطلاح به معنی منطقه ای عمدتاً شهری شامل شهرهای کوچک و حومه های شهری مجاور، یعنی ناحیه ای کلانشهری، به کار رود. به این ترتیب، شهرهای کوچکی چون هامیلتن و مادرول که هنوز بخشی از خزش گلاسکو نیستند با مجموعه شهری تلفیق می شوند، زیرا آنها در نزدیک شهر قرار گرفته اند و داخل چیزی هستند که ناحیه کلانشهری قلمداد می گردد. با این همه، یک منطقه کلانشهری معمولاً یک مجموعه شهری به معنای واقعی کلمه را - که ناحیه ساخته شده بزرگی است - با سکونتگاه ها یا مناطق حومه ای که ممکن است ضرورتاً ماهیت شهری نداشته باشند و با وجود این به سبب تجارت و اشتغال به شدت با مجموعه شهری مرتبط اند، پیوند می دهد.

ترجمه: ناصر برک پور

نویسنده: Ian Morley

۳. ساختار قدرت اجتماع محلی [۱] Community Power Structure

در نیمه دوم قرن گذشته پژوهشگرانی که درباره سیاست حکومت شهرها [۲] - ساختار قدرت اجتماعات محلی - مطالعه می کردند پنج دسته تبیین متفاوت برای پاسخ به این پرسش که "چه کسانی بر شهرها حکومت می کنند [۳]" (۱۹۶۱)، یا "چه کسانی به واقع بر شهرها حکمرانی می کنند [۴]" (۱۹۷۸)، ارائه دادند. فلویید هانتز [۵] که از نخستین پیشگامان پژوهش در حوزه قدرت اجتماعات محلی است، رویکردی معتبر را برای بررسی تصمیم گیران محلی پیشنهاد داد. هانتز در کتاب "ساختار قدرت اجتماع محلی [۶]" در سال ۱۹۵۳ از طریق پرسش از هیئتی از شاهدان آگاه که قدرت واقعی در سیاست شهری آنلاتتا را در اختیار داشتند، به بررسی شهرهایی چون آنلاتتا و جورجیا پرداخت. هانتز با ادامه مطالعاتش در سال ۱۹۵۳ و دوباره در دهه ۱۹۸۰، دریافت که ساختار قدرت در اجتماعات محلی آنلاتتا مبتنی بر قدرت نخبگان در حوزه هایی چون شرکت های محلی، بانک ها و مؤسسه های سرمایه گذاری است.

نظریه قدرت نخبگان از سوی نظریه تکثرگرایی رابرت دال [۷] در اثر وی با عنوان "چه کسانی حکومت می کنند؟" (۱۹۶۱) که در آن نیو هاوون واقع در کانتیکات [۸] را مطالعه می کرد به چالش کشیده شد. دال با شاهدان آگاه سیاست نیو هاوون مصاحبه کرد و به بررسی تصمیمات مالی عمده شهردار و شورای شهر پرداخت. دال دریافت که نیو هاوون "اجتماعی نابرابر [۹]" است اما بیشتر تکثرگراست تا تئیه گرا، زیرا قدرت اگرچه به صورت نابرابر اما به گونه ای وسیع تقسیم و تسهیم شده است. برای مثال دال دریافت که گروه های با درآمد کم مانند ساکنان افریقایی - امریکایی شهر با وجود تبعیضات اقتصادی و اجتماعی فراوان، در سیاست انتخاباتی نیو هاوون دارای نفوذ هستند.

نظریه تکثرگرایی دهه ۱۹۶۰ دال درباره ساختار قدرت اجتماعات محلی نیو هاوون با تحلیل مجدد دهه ۱۹۷۰ جی ویلیام دامهوف [۱۰] جامعه شناس درباره یافته های دال در نیو هاوون در اثر وی با عنوان "چه کسانی به واقع حکمرانی

- 1-Dahl, R. (1961) *Who Governs?* New Haven: Yale University press
- 2-Hunter, F. (1953) *Community Power Structure*, Chapel Hill, NC: University of North Carolina Press.
- 3-Mills, C.W. (1956) *The Power Elite*, New York: Oxford University Press.
- 4-Waste, R.J. (1966) *Community Power*, Thousand Oaks, CA: Sage.

می کنند؟^۳ (۱۹۷۸) به چالش کشیده شد. دامه‌پوف با نتیجه‌گیری از مصاحبه‌های دال و انجام بررسی‌های بیشتر، نتیجه گرفت که نیوه‌اون نیز مانند آتلانتا از سوی مجموعه‌ای از نخبگان سیاسی و اقتصادی که از حلقه فرادست [۱۱] شهر به شمار می‌آیند، حکمرانی می‌شود. استدلال دهه ۱۹۷۰ دامه‌پوف درباره حلقه فرادست با نظریه‌های جدید تر درباره ساختار قدرت نخبگان در اجتماع محلی جایگزین شد، که از این دست‌اند مواردی چون نظریه ماشین رشد از هاروی مولوچ در دهه ۱۹۸۰ و نظریه رژیم شهری از کلارنس استون [۱۲] که در اواخر دهه ۱۹۸۰ آغاز گردید و تا به امروز ادامه دارد.

ترجمه: ایرج اسدی

نویسنده: Robert J. Waste

۴. ماشین رشد Growth Machine

مدل ماشین رشد تلاش می‌کند تا قدرت سیاسی شهری در ایالات متحده را تبیین کند. نظریه ماشین رشد استدلال می‌کند که رشد در واقع جوهره سیاست محلی است و آنانی که از توسعه بهره‌مند می‌شوند - مالکان زمین، توسعه‌گران یا عاملان ساخت و ساز، بانکداران، شرکت‌های ساختمانی و نظایر آنها - معمولاً قادرند فرایند برنامه‌ریزی را به نحوی دستکاری کنند تا موجب رشد بیشتر شود و استفاده از زمین را نیز شدت بیشتری ببخشند. آنان با دستاویز قرار دادن ایدئولوژی رشد فارغ از ارزش [۱۱] - که مدعی است همه از منافع رشد بهره‌مند می‌شوند - به اقدامات خود مشروعیت می‌بخشند. وجود مجموعه‌ای از عوامل که مشخصه ایالات متحده است، ائتلاف نخبگان مدافع رشد [۱۲] در این کشور ترغیب کرده است: نظام ضعیف مقررات کاربری زمین، وابستگی زیاد به درآمد های محلی و استقلال عمل گسترده محلی در تصمیم‌گیری‌های مربوط به کاربری زمین در چنین زمینه‌ای، آنانی که از توسعه بیشتر نفع خواهند برد انگیزه‌های بسیاری برای نفوذ بر فرایند تصمیم‌گیری پیدا می‌کنند. آنان برای خلق محیط کسب و کار خوب و رونق بخشی به تقاضای مصرف زمین ائتلاف‌هایی را با کارگزاران منتخب به وجود می‌آورند.

مدل ماشین رشد از سوی هاروی مولوچ [۳] - جامعه‌شناس در دانشگاه کالیفرنیا، سانتا باربارا - در سال ۱۹۷۶ و در مقاله‌ای با عنوان "شهر به عنوان ماشین رشد" [۴] طرح شد. مولوچ در این مقاله نمونه‌ای قوی از یک مدل سیاست محلی را که مبتنی بر قدرت ماشین رشد بود ارائه کرد. مولوچ در یک سری مقالات و بعد ها در کتاب تقدیر شهر [۵] که با همراهی همکارش جان لوگان [۶] تالیف کرد، مدعی شد که این نوع رشد به گونه‌ای اجتناب‌ناپذیر به هزینه کاهش کیفیت زندگی کل جمعیت - که در نتیجه رشد مجبور به پرداخت مالیات بیشتر و نیز تحمل ازدحام ترافیک بیشتری می‌شوند - به دست می‌آید. گروه‌های اجتماعی که در پی استفاده از محیط محلی به عنوان مکانی برای کار و زندگی هستند، و نه مکانی برای پول در آوردن، با این دسته از افراد تحت لوای حفاظت محیطی به مبارزه برمی‌خیزند. این نظریه تأکید می‌کند که پیامد چنین تضادی بستگی به شرایط محلی و وضعیت تاریخی دارد. با وجود این نخبگان مدافع رشد برای به اجرا در آوردن نیت خود، مزایای سازمانی بسیاری مانند نیروی ستادی و پول بیشتر دارند.

تحقیقات تجربی برای پاسخ به این پرسش که آیا رشد می‌تواند با تلاش‌های صورت گرفته از سوی ماشین رشد به گونه‌ای گسترده تغییر کند، و یا اینکه آیا تلاش‌های صورت گرفته از سوی ساکنان می‌تواند روند آن را کند سازد، مبهم است. با این حال این نکته به طور روز افزونی آشکار می‌شود که تلاش‌های محدود کننده رشد از سوی شهروندان روند رشد را کند نمی‌سازد بلکه جوی سیاسی ایجاد می‌کند تا مراجع حکومت شهر امتیازات بیشتری از توسعه‌گران طلب کنند.

موفقیت بی‌چون و چرای این نظریه در نحوه برجسته ساختن مرکزیت رشد در سیاست شهری امریکا نهفته است. با وجود این، وزن و اهمیت درستی که باید به رشد داده شود جای بحث و مناقشه است (← نظریه رژیم شهری [۷]).

ترجمه: ایرج اسدی

نویسنده: Nico Calavita

۵. نظریه رژیم شهری Urban Regime Theory

رژیم شهری در حقیقت ترتیباتی غیر رسمی [۱] است که از آن طریق کنشگران حکومتی و بخش خصوصی با یکدیگر و برای تصمیم‌گیری و اجرای تصمیمات حکومتی و دستیابی به نفوذ پایدار در حوزه‌های سیاستی مهم، همکاری می‌کنند. نظریه رژیم که از سوی کلارنس استون و استیون الکنین [۲] در دهه ۱۹۸۰ ارائه شد، روش جدیدی را برای تحلیل نقش و قدرت کنشگران مختلف در سیاست شهری ارائه می‌دهد. این نظریه در حقیقت نوعی تغییر پارادایم در حوزه سیاست شهری

[ادامه‌شده]

- 1-Vaughan-Givaud Ideology
- 2-Cadlin of Pro-Growth Elites
- 3-Harvey Moloch
- 4-The City as a Growth Machine
- 5-Urban Form
- 6 John Logan
- 7 Urban Regime Theory

منابع برای مطالعه بیشتر

- 1 Logan J. and Moloch, H. *Urban Fortunes: The Political Economy of Place*, Berkeley, CA: University of California Press, (1987)
- 2 Logan, J., Whaley, R.J., and Crowder K., "The Character and Consequence of Growth Regimes: An Assessment of Twenty Years of Research," *Urban Affairs Review*, 32(3): 603-30 (1997)

محسوب می شود. نظریه مذکور با نظریه تکثرگرایی و مدل پل پترسون در کتاب حدود شهر [۳] تفاوت دارد. این دو به عنوان تبیین های قبلی درباره اینکه چه کسی در شهر قدرت دارد مطرح بودند.

بر اساس تکثرگرایی، قدرت به طور گسترده میان کنشگران مختلف در قلمرو سیاسی شهر پراکنده شده است. این دیدگاه به بهترین نحو در اثر رابرت دال با عنوان "چه کسی حکومت می کند؟" (۱۹۶۳) در مقیاس شهری به شکل نظریه ارائه شده است. بر اساس این نظریه نوعی تخصصی شدن [۴] در اعمال نفوذ شکل گرفته است که بر مبنای آن گروه ها و رهبران مختلف بر قلمرو های موضوعی متفاوتی نفوذ دارند. قدرت در دست یک گروه یا رهبر متمرکز نیست.

پل پترسون در کتاب اثرگذار خود با عنوان حدود شهر، که در سال ۱۹۸۱ نگاشته شد، مدلی ارائه کرد که در تبیین اینکه کدام یک از کنشگران در سیاست شهر صاحب قدرت هستند، به مخالفت با تکثرگرایی پرداخت مطابق نظر پترسون، تکثرگرایان از میزان بالایی قدرتی که اجتماعات و صاحبان کسب و کار بر تصمیم گیری محلی اعمال می کنند غافل اند. او از مفهوم سیال بودن سرمایه [۵] برای نشان دادن قدرتی که صاحبان کسب و کار در قلمرو شهر واجد آن هستند، استفاده می کند، زیرا صاحبان سرمایه و کسب و کار ممکن است با تهدید به سرمایه گذاری در دیگر شهرها و ایالات در پی تحمیل دیدگاه های خود بر آیند. بر اساس نظر پترسون، شهرها قادر نیستند چنین فرصت هایی را از دست بدهند که اثر آنها بر کاهش اشتغال و مالیات و عوارض، خسارات زیادی به همراه خواهد داشت. کارگزاران شهری باید بتوانند نیازها و خواسته های صاحبان کسب و کار را در صورتی که منافعی برای آن در توسعه اقتصادی شهر متصورند پیش بینی کنند. به این ترتیب سیاست امری درجه دوم می شود و در نتیجه سیاستگذاری [شهری]، سیاست [شهر] [۶] را هدایت می کند.

نظریه رژیم را ممکن است بتوان در میانه مدل تکثرگرایی و مدل پترسون قرار داد. بر خلاف تکثرگرایان، نظریه پردازان رژیم شهری این نتیجه را که قدرت به طور برابر یا به گونه ای گسترده میان کنشگران مختلف توزیع شده است، تأیید نمی کند. در عوض، نظریه رژیم شهری استدلال می کند که کارگزاران محلی اغلب منافع لایه های فرادست مانند صاحبان کسب و کار را بر منافع بلندمدت ترجیح می دهند.

با وجود این، نظریه پردازان رژیم شهری با پترسون نیز اختلاف نظر دارند، زیرا آنان معتقد نیستند که صاحبان کسب و کار در تمامی موارد قدرتمندترین هستند و یا منفعت یکپارچه [۷] در توسعه همیشه به وجود خواهد آمد. رژیم که همیشه به نفع صاحبان کسب و کار باشد، تضمینی برای شکل گیری آن نیست. به عبارت دیگر، سیاست اهمیت دارد؛ و سیاست [شهر] است که سیاستگذاری [شهری] را هدایت می کند [۸].

همچنین، آنها در تبیین علت ترجیح یافتن صاحبان کسب و کار بر دیگر گروه ها با پترسون اختلاف نظر دارند. نظریه پردازان رژیم معتقدند که سیال بودن سرمایه نمی تواند به طور کامل قدرت صاحبان سرمایه را تبیین کند. آنان دریافته اند که صاحبان سرمایه اگر چه ممکن است دارای جایگاهی ممتاز باشند و بر سهم عمده ای از منابع باارزش شهر نیز کنترل داشته باشند، اما بیان این نکته به طور کامل درست نیست که کارگزاران محلی دوستدار خدمت دهی به منافع صاحبان کسب و کار و منافع زمینداران اند. دغدغه اصلی آنان خلق عملکرد اقتصادی است، نه خدمت دهی به منافع صاحبان کسب و کار. اگر چه کارگزاران شهر ممکن است در برابر امیال رهبران و صاحبان کسب و کار مقاومت کنند، اما اغلب اهمیت تشکیل ائتلاف زنده و پویا با صاحبان اصلی کسب و کار را درمی یابند، زیرا حاصل چنین ائتلافی برای شهر کسب درآمد های بیشتر و ارتقای عملکرد اقتصادی است. چنین ائتلافی طبیعی است و موجب برابری وضع موجود [توزیع قدرت و ثروت] می شود. سازمان های مبتنی بر اجتماعات محلی [۹] که تلقی و نگرش متفاوتی از این دارند، باید علیه روند مسلط به مبارزه برخیزند و اغلب هم نبرد را می بازند. نزد کارگزاران محلی، انگیزه ای برای وسعت دیدی که سازمان های مبتنی بر اجتماعات محلی و دیگر گروه های محلی را در برگیرد وجود ندارد، زیرا ائتلاف با این گروه ها نمی تواند موجب ارتقای عملکرد اقتصادی شهر گردد.

در نتیجه، از میان سه گونه رژیم های شهری که استون ارائه کرده است، رژیم های شرکتی [۱۰] ممکن است در بیشتر شهرهای بزرگ نوعی هنجار باشد در رژیم شرکتی، صاحبان منافع اصلی نقش عمده ای در هدایت سیاست های توسعه شهر اعمال می کنند. افزایش منافع توسعه دغدغه اصلی رژیم محسوب می شود. در زمینه استفاده از منابع عمومی، ائتلاف غالب در رژیم شرکتی از طریق اعمال ابزارهای تشویقی چون تخفیف های مالیاتی، امکان سرمایه گذاری برای صاحبان کسب و کار را افزایش دهد. رژیم های شرکتی اغلب موقعیتی به دست می آورند که سرمایه گذاری در آنها به واسطه انتقال هزینه های توسعه به بخش های عمومی به ویژه در حوزه زیرساخت ها به راحتی افزایش می یابد. سرانجام، چنین رژیمی در جستجوی منافع توسعه برای شرکتی خود است، و نه منافع جمعی برای اجتماع محلی. به عبارت دیگر، این رژیم منافع زیادی را برای کنشگران بخش خصوصی در نظر دارد، به طوری که آن را پاداش سرمایه گذاری های این دسته می انگارد که وضع

مالیات‌های کمتر در آن به عنوان مکانیسم‌های ضروری برای پیشینه‌سازی گزینش بخش خصوصی ترغیب می‌شود. در گونه دوم رژیم شهری، که رژیم ترقی خواه [۱۱] است، سازمان‌های مبتنی بر اجتماعات محلی و گروه‌های مختلف نماینده افراد با نژاد و سطح درآمدی متنوع نقش عمده‌ای در هدایت سیاست‌های توسعه بازی می‌کنند. ائتلاف ترقی خواه اغلب با استفاده از منابع عمومی در پی اعتلای برابری [۱۲] است و این اعتقاد وجود دارد که برابری می‌تواند بدون آسیب رساندن به بهره‌وری اقتصادی ارتقا یابد. علاوه بر این، رژیم‌های ترقی خواه در واقع خواهان انتقال هزینه‌های توسعه به بخش خصوصی است، زیرا تنها آنها در پی کسب سود هستند. این رژیم می‌کوشد تا از توسعه برای کسب منافع جمعی استفاده کند. به عنوان مثال، رژیم مذکور ممکن است در جست‌وجوی پیوندی سیاسی باشد که نیازمند توسعه گران‌شتر است تا از این طریق کمک‌های مالی به ساخت مسکن ویژه طبقات کم‌درآمد شهر بسیج شود. در نهایت، این رژیم گرایش به توسعه تسهیلات و امکانات جمعی و مشترک مانند حفاظت تاریخی، ارتقای کیفی پارک‌ها و نواحی تفریحی، ارتقای کیفیت زیست محیطی و رشد برنامه‌ریزی شده خواهد داشت.

در گونه سوم رژیم‌های شهری استون، که با عنوان رژیم‌های سرایدار [۱۳] شناخته می‌شود، صاحبان املاک کوچک مانند صاحب خانه‌ها و صاحبان کسب و کارهای کوچک نقش عمده‌ای در هدایت سیاست‌های توسعه بازی می‌کنند. رژیم‌های سرایدار خواهان تکیه بر بازار آزاد هستند و نه استفاده از منابع عمومی، زیرا از دید این رژیم کلیه یارانه‌ها در حقیقت نوعی بازتوزیع ناعادلانه آن چیزی هستند که باید به شکل خصوصی تأمین مالی شود. علاوه بر این، ائتلاف سرایدار تلاش می‌کند تا هزینه‌های توسعه را به حداقل برساند و زمانی که با هزینه‌هایی روبه‌رو می‌شود که به واسطه اقدامات بخش خصوصی به وجود می‌آید، سیاست بدون رشد [۱۴] را دنبال می‌کند. رژیم مذکور این روش پر خرد را بدان دلیل انتخاب می‌کند که ائتلاف آن اساساً متمایل به گرفتن مالیات پایین و حمایت از حکومت غیر مداخله‌گر [۱۵] است.

ترجمه: ایرج اسدی
 نویسنده: Susan E. Baer

۶. شهرهای جهانی Global Cities

از حدود دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ میلادی به این سو، اقتصاد وارد فرایندی از دگرگونی شده است؛ از بین‌المللی تا جهانی. توسعه سریع‌تر ساخت‌ها و فناوری اطلاعات و ارتباطات راه دور، پیشرفت‌هایی چون گسترش جهانی بازارهای مالی و سرمایه‌ای، وجود معاملات مالی شبانه‌روزی و گسترش فعالیت‌های جهانی نگاه‌های چندملیتی را موجب شده است؛ نظام‌های اقتصادی از چارچوب دولت‌های ملی [۱۶] فراتر رفته‌اند و تحرک فرهنگی نیز جهانی شده است. این فرایند، مرزناشاسی بسیاری از کارکردهای اقتصادی و فرهنگی را افزایش داده است، اما این کارکردهای متنوع به جای اینکه به لحاظ فضایی پراکنده شوند، در تعدادی از شهرهای دنیا تمرکز یافته‌اند.

جدید سازمان این کارکردهای متنوع جهانی، سبب دگرگونی کلاس‌شهرهایی شده است که مراکز تاریخی و سنتی تجارب بین‌المللی بوده‌اند و برای آنها نقش راهبردی جدیدی فراهم کرده است. جهانی شدن تغییرات عمده‌ای را در ماهیت این فضاهای شهری احسی به بار آورده است. کارکردهای متنوع آنها از مرزهای دولت‌های ملی فراتر رفته است. این کارکردها مبهم و معماگونه [۱۷] شده‌اند، مقیاس و حورد عمل آنها گسترش فراوان پیدا کرده و الگوهای فضایی آنها به شدت با وابستگی‌های متغایب اجتماعی‌شان پیوند یافته‌اند. اکنون بیش از ۳۰۰ شهر - منطبقه با جمعیتی بیش از یک میلیون نفر در سراسر جهان وجود دارد. فیلم‌های سیاسی و اداری این شهر - منطبقه‌ها در عمل بی‌معنا شده‌اند، و مفاهیمی چون زنجیره شهری [۱۸] و ابرشهر [۱۹] را دیگر نمی‌توان برای چنین مناطقی به کار برد. کلاس‌شهرهای جهان با توجه به چنین شرایط متغییری بررسی شده‌اند و پژوهش درباره پارادایم جدید از سال‌های پایان دهه ۱۹۸۰ میلادی به این سو پیشرفت بسیار زیادی کرده است. این شهرهای جدید عناوین مختلفی مانند جهان شهر [۲۰]، شهر اطلاعاتی [۲۱]، شهر - دنیا [۲۲] و شهر جهانی [۲۳] گرفته‌اند. پس از ارائه فرخنده جهان شهر [۲۴] به وسیله جان فریدمن [۲۵] و دیگران، ساسکیا ساسن [۲۶] توجه خود را به سمت کارکردهای این شهرها به عنوان کره‌های اقتصاد جهانی [۲۷] معطوف ساخت و به این تکیه اشاره کرد که گونه جدیدی از شهر پدید آمده است. ساسن آن را "شهر جهانی" نامید و نیویورک و لندن و توکیو را به عنوان نمونه‌هایی از آن ذکر کرد. پس از آن، جهان شهر اغلب شهر جهانی خوانده می‌شود.

برای آنکه شهری جهانی قلمداد شود باید دارای جنبه‌های مختلف باشد: ۱) داشتن شبکه‌هایی که سبب خلق یا شکل‌گیری یک نظام شهری در نظام جهانی و نه فقط در نظام شهری یک کشور شود. ۲) عنصر فضایی سازنده‌ای در مقیاس جهانی باشد و با ساختار چندسطحی پیرامونی یکپارچه شده باشد. جایگاه آن در این سطوح فقط وابسته به مقیاس اقتصاد آن نیست

- 9 Community Organization
- 10 Corporate Regime
- 11 Progressive Regime
- 12 Equality
- 13 Cartel-like Regime
- 14 No-Growth Policy
- 15 Non-Interventionist Government

منابع برای مطالعه بیشتر

- 1 Dahl, R. A. (1963) *Who Governs? Democracy and Power in the American City*. New Haven, CT: Yale University Press.
- 2 Urban, S. L. (1983) *City and Regime in the American Republic*. Chicago: University of Chicago Press.
- 3 Petersen, P. L. (1981) *City Limits*. Chicago: University of Chicago Press.
- 4 Stone, C. A. (1989) *Regime Politics: Governing Atlanta, 1946-1988*. Lawrence, KS: University Press of Kansas.

بلکه به قدرت سلطه جهانی آن نیز بستگی دارد. این قدرت در سایر حوزه های یک شهر مانند کارکردهای فرهنگی آن متمرکز شده است. ۳. رابطی بین شهر و بخش های ملی که مناطق مرکزی، نیمه پیرامونی [۱۳] و پیرامونی آن را شکل می دهند محسوب شود. ۴) هم با فضاهای شهری بزرگ مقیاس به منظور تحقق جریان های سطح بالای اجتماعی - اقتصادی دو جانبه که "قدرت مکان ها" نامیده می شود مرتبط باشد، و هم با "فضای کامپیوتری" کاملاً توسعه یافته در شهر که "قدرت جریان ها" نامیده می شود. با این حال فرضیه جهان شهر این موارد را در هفت گزاره خلاصه می کند. از میان این هفت گزاره، "مکان" و "وظایف اداری اصلی" که اقتصاد جهانی ایجاد خواهد کرد، به شدت با شهر جهانی که ساسن از آن حمایت می کند مرتبط است.

تا آن مقطع، ساسن بر اقتصاد مرتبط با سازمان های دارای قدرت بر اقتصادهای خدماتی [۱۴]، به ویژه مالی و بیمه و املاک متمرکز بوده است و در مورد عملکردهای شهرهای جهانی، او با تعریف مبهمی مانند عملکردهای باز تولید اجتماعی [۱۵] که این گونه از کلانشهرها دارای آن هستند ارائه کرده است. اما او اکنون از پارادایمی جدید برای درک این عملکردها به عنوان فعالیتهای به شدت مولد دفاع می کند. او شهرهای جهانی را محل تجمع چهار عملکرد جدید می داند: ۱) برج های کنترل و فرماندهی اقتصاد جهان؛ ۲) به عنوان مکان هایی پیشرو برای استقرار بخش مالی به جای صنایع تولیدی و همچنین استقرار عملکردهای خدماتی مرتبط؛ ۳) به عنوان مکان هایی برای صنایع و فناوری های نوآورانه برای پشتیبانی آنها؛ ۴) به عنوان مکان هایی برای راهبری مبادلات. ایجاد ساختار فرماندهی در مکان هایی از این دست، متمرکز با قدرت اداری پایگاه های تولید و مراکز خدماتی که از نظر جغرافیایی در سراسر جهان پراکنده شده اند، به معنای تمرکز کل قدرت اداره اقتصاد جهان در شهرهایی مانند سه شهر یادشده است. با این حال، با نگاهی دقیق تر به نظام اقتصادی جهان، می توان دریافت که هر یک از این شهرها دارای محیطی متفاوت است و در صورتی که در میان شهرهایی که در چنین محیطی قرار گرفته اند شهری دارای عملکردهای شهر جهانی تخصصی شده و پیشرفته وجود داشته باشد، اگر آن شهر یک شهر جهانی نباشد حتماً در شبکه ای تخصصی و به شکلی مرتبط با شهری جهانی واقع شده است.

شهرهای جهانی مورد نظر ساسن، معرف فضایی استراتژیک اند که در آن فرایندهای جهانی در قلمرو ملی تبلور می یابند و پویایی جهانی از طریق موسسات ملی عملی می شود؛ به این معنا که مکان هایی با کارکرد های شبکه تخصصی پیشرفته [۱۶] شکل می گیرند که در آنها کارکرد های شبکه فرامرزی [۱۷] مکان های استراتژیک را به هم پیوند می دهد. این به معنی شکل گیری بدنه ای واحد و یکپارچه نیست. کارکردهای شهر جهانی، کارکردهای اداری اصلی اند که کارکرد خدمت به تولید کنندگان را در بر می گیرند و حتی اگر این کارکرد ملی نباشد، به طور روشن کارکردی محلی مانند حسابداری و حقوق و تبلیغات است و کارکردهایی را که فعالیت های جهانی شهر را پشتیبانی می کنند و همچنین اقتصاد غیر رسمی یا زیرزمینی را در بر می گیرد. بنابراین این منطقه های شهری مانند لس آنجلس نیز که کارکردهای مالی در آنها به طور گسترده پراکنده شده اند، ترکیب چند نژادی دارند و دارای کارکردهای اقتصادی، فرهنگی، تفریحات و پیشرفت فناوری، به همراه کارکردهای نظامی هستند، و همچنین شهرهای جهانی محسوب می شوند؛ با آنکه این مناطق مراکز مالی همچون نیویورک و لندن نیستند.

ترجمه: میثم بصیرت

نویسنده: Yuichi Takeuchi

۷. ابرشهر Mega City

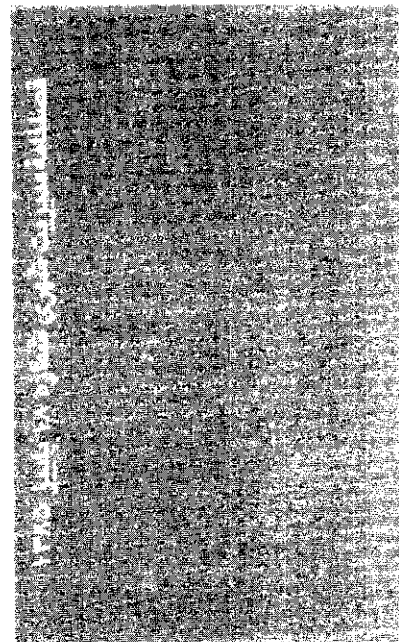
نخستین بار اصطلاح ابرشهر در مورد تجمع های شهری [۱] بسیار بزرگ، به وسیله شهرشناسی به نام جانیس پرلمن [۲] در نیمه دهه ۱۹۷۰ میلادی، به کار رفت. رایج ترین تعریف بر پایه میزان جمعیت است. ابرشهرها، بسته به زمان و منبع تعریف (مانند بانک توسعه آسیایی یا سازمان ملل) کلانشهرهایی تعریف شده اند که دارای جمعیتی بیش از ۸.۵ و یا ۱۰ میلیون نفر هستند. برخی از تعاریف، تراکم جمعیتی حداقل ۲۰۰۰ نفر در هر کیلومتر مربع را ملاک قرار داده اند. با این حال، مجموعه های شهری [۳] وسیعی با تراکم های جمعیتی کمتر (مانند ناحیه روهر [۴] در آلمان یا شهر - حومه یکپارچه تورنتو در کانادا) نیز بارها در زمره ابرشهرها طبقه بندی شده اند. ارائه تعریفی محدود با توجه به تردیدهای موجود درباره اطلاعات سرشماری و تفاوت در تعریف محدوده های شهری، بیهوده خواهد بود. آنچه که شهری بسیار بزرگ را شکل می دهد، با بستر و زمان تغییر می کند: رم کهن با حدود یک میلیون نفر جمعیت یقیناً در زمان خود به عنوان ابرشهر محسوب می شود.

شهرنشینی انبوه در دهه های پایانی قرن بیستم سبب افزایش گسترده تعداد ابرشهرها شد. در دهه ۱۹۵۰، تنها پنج شهر

- 1-Nation states
- 2-Ambiguous
- 3-Megalopolis
- 4-Mega-city
- 5-World city
- 6-Informational city
- 7-Cosmopolis
- 8-Global city
- 9-World city hypothesis
- 10-John Friedmann
- 11-Saskia Sassen
- 12-World Economic Nodes
- 13-Semi-Peripheral
- 14-Service Economies
- 15-Social Regenerating Functions
- 16-Sophisticated specialized Network
- 17-Transborder

منابع برای مطالعه بیشتر

- 1-Castells, M. The Informational City: Information Technology, Economic Restructuring, and the Urban Regional Process. Oxford: Blackwell, (1989)
- 2-SASSEN, S. The global city: New York, London, Tokyo, 2nd edn. Princeton, NJ: Princeton University Press, (2001)
- 3-Soja, E.W. (2000). Postmetropolis: Critical Studies of Cities And Regions, Oxford: Blackwell.



(نیویورک، لندن، پاریس، توکیو و شانگهای) جمعیت ۵ میلیون نفری - و یا بیشتر - داشتند. در سال ۲۰۰۰، ۱۹ (و به احتمال بیشتر ۲۴) شهر دارای بیش از ۱۰ میلیون نفر جمعیت بوده‌اند. دو سوم این شهرها در حال توسعه و بیش از نیمی در آسیای شرقی و جنوب شرقی واقع شده بودند.

ابرسهرها به سبب اندازه بی سابقه شان از نظر تاریخی، هم توجه عموم مردم را به خود جلب کرده‌اند، و هم توجه متخصصان را جدا از اندازه آنها؛ تفاوت‌های عمده‌ای میان ابرشهرها در توسعه اقتصادی، مسکن، قطب بندی اجتماعی، کیفیت زیرساخت‌ها، میزان جرایم، کارایی حکومت و میزان رشد وجود دارد. بسیاری از ابرشهرهای جدید، به عنوان مثال در افریقا و آسیا، با میزان رشد بالایی گسترش می‌یابند، در حالی که رشد ابرشهرها در اروپا و آمریکای شمالی و جنوبی از حدود دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ به بعد کند شده است. بر این اساس، ابرشهرها در کشورهای در حال توسعه در بسیاری از نمونه‌ها از شرکای دنیای صنعتی تفوق جسته‌اند. با وجود این، آنها فاقد نفوذ جهانی، اقتصادی و سیاسی، که ابرشهرهایی چون نیویورک، توکیو، لندن یا پاریس را سزاوار عنوان جهان شهر یا شهر جهانی می‌کنده‌ستند. (← فرضیه جهان شهر ساسکیا ساسن.)

[پانویس]

نقص نظام مدیریت و خدمات شهری و افزایش مسائل زیست محیطی مانند آلودگی آب و هوا، آلودگی خاک و منابع ناکافی آب و جمع آوری مواد زائد، پیش‌تر زنگ خطر مرگ ابرشهرها را به صدا درآورده بود. با این حال، ابرشهرها تا به امروز دچار فروپاشی نشده‌اند. در عوض برخورد خاص با ابرشهرها مورد نگرانی قرار گرفته است، چرا که شهرهای کوچک دچار مشکلاتی مشابهی حتی بدتر هستند و آلودگی هوا معمولاً نه به اندازه شهر بلکه به سیستم حمل و نقل، تولید صنعتی، توپوگرافی و اقلیم وابسته است. به علاوه، ابرشهرها به طور مقایسه‌ای از نظر موضوعاتی چون کنترل سلامت و فرصت‌های شغلی بهتر از سکونتگاه‌های کوچک عمل می‌کنند.

بنابراین فقط مشکلات محدودی در زمینه مقیاس و پویایی ابرشهرها مطرح است: نخست آنکه پیچیدگی حکمروایی و مدیریت شهری وجود سطوح جدیدی در اداره ابرشهرها را ضروری ساخته است. دوم، تحقق و حفظ دموکراسی و مشارکت محلی بسیار دشوارتر است. سوم، با وجود مدیریت ضعیف و فقدان برنامه ریزی مناسب، تمرکز جمعیت در ابرشهرها در مقابل شکل‌گیری بحران‌ها (چون آب، مواد غذایی و انرژی) و بلایای طبیعی آسیب‌پذیر است. سرانجام، در کشورهایی که تا پیش از ۴۰ درصد جمعیت در یک تجمع شهری واحد متمرکز شده‌اند، ناآرامی اجتماعی می‌تواند به سادگی به ناپایداری سیاسی که بر تمام کشور تأثیر می‌گذارد، منجر شود.

ترجمه: میثم بصیرت
نویسنده: Andrea I. Frank

۸. زنجیره شهری Megalopolis

اصطلاح زنجیره شهری اساساً به معنای شهری بسیار بزرگ است، و بدین ترتیب با مفهوم زنجیره شهری همواره مخالفت شده است. معروف‌ترین اعتراض [۱] علیه کلان‌شهری شدن در مقیاس بزرگ را لوییس مامفورد [۲] به ویژه در فصل "ظهور و افول زنجیره شهری" کتاب "فرهنگ شهرها" که در سال ۱۹۳۸ منتشر شد، مطرح کرده است. مامفورد زنجیره شهری را به عنوان آغاز انحطاط و به عنوان پیش درآمدی برای ظالم شهر [۳]، که از طریق استثمار مستعمرات و پسرکانه [۴] متمایز می‌شود شرح می‌دهد. حدود بیست سال بعد، در شرایطی آرام‌تر، جغرافیای به نام جین گاتمن [۵] مقاله خود را با عنوان "زنجیره شهری یا شهرنشینی ساحل شمال شرقی" [۶] منتشر کرد. در شرایطی که مامفورد این اصطلاح را در مورد گرایش به شهرهای بزرگ اختصاص داده بود، گاتمن زنجیره شهری را در مورد رشد شهری چند هسته‌ای [۷] به کار برد که به گسترش پیوسته نواحی شهری و حومه‌ای منجر شد. محور اصلی این رشد، حدود ۶۰۰ مایل در ناحیه شهری بوستون-واشنگتن [۸] بود. مفهوم زنجیره شهری نفوذ فراوان یافت، زیرا مقیاسی جدید و بزرگ‌تر را در زمینه تفکر در مورد الگوهای شهری و رشد شهری معرفی می‌کرد. از آنجا که این مفهوم، تمایز میان نواحی شهری و روستایی را مبهم می‌کند، انگیزه‌ای را برای مجموعه‌ای از پژوهش‌ها در کشورهای هر دو سوی اقیانوس اطلس در مورد این سوال که چه گونه سایر نواحی شهری و کلان‌شهری تعریف می‌شوند پدید می‌آورد. از زمانی که اصطلاح زنجیره شهری معمول شد، سایر مفاهیمی که به کار رفته‌اند، سطح فوق منطقه‌ای [۹] در شهرنشینی نظیر مفاهیم حوزه شهری [۱۰] یا شاهراه [۱۱] را مورد توجه قرار داده‌اند. هر یک از این مفاهیم بر ابعاد متفاوتی تمرکز دارند. دوکسیادیس [۱۲] از زنجیره شهری فراتر رفت و از شکل‌گیری جهان‌شهر [۱۳] یا جهان‌شهر یکپارچه [۱۴] در نیمه قرن بیست و یکم سخن گفت.

ترجمه: میثم بصیرت
نویسنده: Wil Zonneveld

- 1 urban agglomeration
- 2 Janice Perlman
- 3 conurbation
- 4 Ruhr District

منابع برای مطالعه بیشتر

- 1-Ezema, E. and Mazari Hakin M. Are mega cities viable? A cautionary Tale from Mexico city. Environment, 38: 6-34 (1996)
- 2-Fuchs, R.L., Brennan, L., Chanic, J., Lo, F.C. and Uitto, J. (Eds.) Mega-city Growth and the Future. Tokyo: United Nations University Press (1999)

[پانویس]

- 1 Filipinka
- 2 Lewis Mumford
- 3 megalopolis
- 4 hinterland
- 5 Jean Gottman
- 6 Megalopolis: or the urbanization of Northeastern Seaboard
- 7 poly-nuclear urban growth
- 8 Boston-Washington Area: BosWash
- 9 super-regional
- 10 urban field
- 11 mega-conoid
- 12 Douvadis
- 13 world city
- 14 conurbation

منابع برای مطالعه بیشتر

- 1-Gottman J. Megalopolis or the urbanization of Northeastern Seaboard. Economic Geography 33: 189-220 (1957)
- 2 Mumford, L. The Culture of Cities. London: Secker & Warburg, pp.283-92 (1983)